



هشما



دوپيام رهبرانقلاب، يك راهبرد

نقشه پیروزی

دوپيام جديد رهبرانقلاب؛
پيام هفته دولت و
پيام هفته وحدت

حرف اصلی هردو
یکی است:

وحدت

اما چرا امروز وحدت
این قدر مهم شده؟

چون به گواه
واقعیت های میدان و به
گفته رهبرانقلاب در نقطه
پیروزی قرار داریم.

پس وحدت، توصیه
روزهای ضعف نیست؛
**راه حفظ و تثبیت
پیروزی است.**

اختلاف و تنازع
می تواند یک پیروزی را
نا تمام بگذارد.

اما وحدت فقط این نیست که با هم دعا نکنیم.
اول: با هم درگیر نشویم.
دوم: کنار هم مقابل دشمن بایستیم.
سوم: با هم پیشرفت کنیم و قدرت بسازیم.

امروز خطر فقط
شکست نیست؛
خطر، ناتمام ماندن
پیروزی در جنگ
است.

دوپيام، دو سطح
یک مسیر:

پیروزی ← وحدت ← تثبیت قدرت ← تمدن سازی

پيام هفته دولت، همین راهبرد را برای
داخل کشور توضیح می دهد.
پيام هفته وحدت، آن را به جهان اسلام
گسترش می دهد.

برای همین هر تصمیم و سیاستی باید با
یک سؤال سنجیده شود:
به انسجام کمک می کند یا آن را
تضعیف می کند؟

پس وحدت فقط یک توصیه اخلاقی نیست؛
راهبرد اصلی برای ساختن قدرت است.

صفحه ۲

نگاه

یوسف نوری؛ وزیر اسبق آموزش و پرورش

خشت اول آینده ایران در تهران

گاهی در تاریخ یک کشور یک تصمیم در ظاهر عمرانی است، اما در باطن می تواند آغازگر یک تحول بزرگ اجتماعی باشد. به گمان من آغاز ساخت مجتمع های بزرگ، آینده محور و چندمنظوره تربیتی-آموزشی در تهران از همین جنس است؛ اقدامی که با نگاه راهبردی شهردار تهران از یک پروژه مدرسه سازی فراتر رفته و به آغاز طراحی «مدارس تراز تمدن نوین اسلامی» تبدیل شده است.

به عنوان وزیر اسبق آموزش و پرورش سال ها از نزدیک با یکی از مسائل مزمن این دستگاه مواجه بوده ام؛ آموزش و پرورش از یک سو باید مهم ترین مأموریت کشور، یعنی تربیت نسل آینده و تراز انقلاب اسلامی را انجام دهد و از سوی دیگر بخش قابل توجهی از توان و منابع خود را صرف خرید زمین، ساخت مدرسه، تعمیر، نگهداشت، مقاوم سازی و تأسیسات کند. از این رو ابتکار هوشمندانه و متعهدانه دکتر علیرضا زاکانی که شهرداری می خواهد آموزش و پرورش دغدغه ساخت و نگهداری فضای آموزشی نداشته باشد، برای من فقط یک وعده عمرانی نیست؛ یک تغییر مهم در حکمرانی آموزش و پرورش است.

پیوند مدرسه، شهرداری و خانواده

این اقدام از آن جهت اهمیت بیشتری دارد که شهرداری مدرسه را صرفاً یک ساختمان نمی بیند. مجتمع های پیش بینی شده قرار است فضاهایی بزرگ، ایمن، هوشمند، دارای معماری هویت مند و متناسب با نیازهای آینده باشند؛ فضاهایی برای آموزش، آزمایشگاه، کارگاه، ورزش، هنر، فرهنگ و مهارت و در عین حال مر تبط با محله و جامعه پیرامونی؛ این یعنی مدرسه از یک ساختمان آموزشی به یک زیست بوم تربیتی و اجتماعی تبدیل می شود.

این نگاه با تجربه برخی از موفق ترین نظام های آموزشی جهان نیز همخوانی دارد. در کشورهای مانند فنلاند، سیاست آموزشی و برنامه درسی در سطح ملی تعیین می شود، اما بخش مهمی از مسئولیت ساخت، نگهداشت و اداره فضاهای آموزشی بر عهده مدیریت های محلی است. در بسیاری از الگوهای شهر یادگیرنده نیز مدرسه بخشی از زیست بوم شهر است و میان مدرسه، شهرداری، خانواده و جامعه محلی پیوند برقرار می شود، بنابراین تکنیک حرفه ای مأموریت تربیتی از مسئولیت زیرساختی، ایده ای بدیع و قابل دفاع در حکمرانی نوین تعلیم و تربیت است.

ترکیب تجربه جهانی با هویت ایرانی-اسلامی

اما آنچه می تواند این تجربه تهران را متمایز کند، ترکیب تجربه جهانی با هویت ایرانی-اسلامی است. مدرسه تراز تمدن نوین اسلامی نمی تواند فقط یک مدرسه هوشمند و مدرن باشد. هوشمندی بدون هویت، تمدن نمی سازد.

این مدرسه باید همزمان دانش، اخلاق، ایمان، هویت، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی، هنر، ورزش، مسئولیت اجتماعی و روحیه خدمت را در دانش آموز پرورش دهد. معماری آن نیز باید همین پیام را منتقل کند: معماری ایرانی، اسلامی، زیبا، انسانی، اقلیمی و در عین حال آینده نگر، نکته بسیار کلیدی این است که وزارت آموزش و پرورش باید از هماکنون برنامه محتوایی این مدارس را پیش بینی کند؛ نباید ابتدا ساختمان ساخته شود و سپس محتوای تربیتی-آموزشی برای آن طراحی کند. باید برعکس عمل کنیم؛ نخست انسان مطلوب آینده را تعریف کنیم، سپس شایستگی ها و مهارت های او را بشناسیم؛ آنگاه برنامه تربیتی، نقش معلم، فناوری و در نهایت معماری و تجهیزات مدرسه را طراحی کنیم. این همان جایی است که اقدام شهرداری تهران می تواند با ارمان تمدن نوین اسلامی پیوند بخورد.



یوز ایرانی در مسیر بازگشت

تداوم زادآوری، ثبت ۲۷ یوز در ۲ سال اخیر، گسترش زیستگاه و نبود تلفات جاده ای نشانه هایی از بهبود شرایط زیست سریع ترین گربه سان ایران است

صفحه ۱۱

دلار زیر پای ترامپ

جنگ علیه ایران و سیاست های ترامپ، جهان را به سوی معاملات غیردلاری سوق داده است

صفحه ۳

شیربچه های ایران بر بام جهان

تیم ملی والیبال زیر ۱۷ سال توانست با خلق شاهکاری بی بدیل، قهرمان جهان شود

صفحه ۱۰



یادداشت

محسن مهدیان؛ مدیر مسئول

نسخه تمدنی رهبرانقلاب برای دوران پس از پیروزی

تقریر حضرت آقا از وحدت، یک نکته راهبردی مهم داشت. ایشان ابتدا وحدت را در نسبت با پیروزی و بعد در منظومه تحقق و تثبیت پیروزی نشان دادند. فرمودند امروز در عینی ترین وضعیت تقو ق حتی بر باطل قرار داریم.

چه چیزی می تواند این وضعیت را به هم برزند؟ تنازع؛ وحدت شکنی.

پس این پیام و البته پیام هفته دولت رهبرانقلاب را باید در فرامتن دوران ابرقدرتی ایران و تثبیت پیروزی در جنگ ببینیم.

با این حال، مسئله فقط این نیست که وحدت شکنی، پیروزی امروز را مخدوش می کند. نکته مهم در تقریر حضرت آقا، ارتقای وحدت از یک فضیلت اخلاقی به دکنترین قدرت بود. وحدت، معماری قدرت است.

و مهم تر، امتداد وحدت اجتماعی به وحدت ساختاری است. برای همین ۳ مرحله را توضیح دادند: **گام اول:** اختلاف و تنازع نداشته باشید. **گام دوم:** در برابر دشمن از یکدیگر دفاع کنید. **گام سوم:** برای پیشرفت همکاری و هم افزایی کنید.

یعنی فقط با هم نجنگید، کافی نیست؛ برای هم بجنگید و بعد با هم قدرت بسازید. اما این معماری قدرت یک مقدمه دارد:

شناخت دشمن.

و تأکید می کنند که امروز دشمن در عیان ترین صورت خود ایستاده است.

تقاب افتاده و دست کشی محملین کنار رفته است.

پس دیگر وحدت شکنی را به سادگی نمی توان به چهل و غفلت نسبت داد.

اینجاست که پیام اخیر حضرت آقا را باید در کنار پیام ایشان به مناسبت هفته دولت گذاشت.

وحدت، زمین پیروزی را می سازد؛ پیروزی را تثبیت و قدرت تولید می کند.

و در نهایت، مسیر رسیدن به تمدن نوین اسلامی را باز می کند.

برای همین در پیام به دولت نیز تأکید کردند که هر سیاست کلان باید «پیوست انسجام» داشته باشد.

این گزاره بسیار مهم است.

یعنی حتی یک تصمیم به ظاهر درست، اگر انسجام جامعه را مخدوش کند، خطاست. چرا؟

چون وحدت فقط یک خلق حسنه نیست؛ یک معیار تصمیم گیری است.

حتی بیان یک ضعف، ولو صادقانه، می تواند انسجام را هدف بگیرد و دیگر صرفاً بیان یک واقعیت نیست.

اینجا دوباره به همان قاعده اول برمی گردیم: دشمن را ببینید و آرایش جنگی بگیرید. «اشداء علی الکفار و حماء لبیهم» فقط یک توصیف اخلاقی نیست.

منطق ساخت قدرت است.

و این باید سر لوحه همه ما باشد.

صدورسیما باید یکی از مهم ترین معیارهای موفقیت خود را افزایش دایره مخاطبان و جذب حداکثری بداند.

تجمع انقلابی باید یکی از مقدس ترین مطالباتش این باشد که چند نفر به جمع انقلاب اضافه می کنند، نه اینکه چند نفر را از آن بیرون می رانند.

دولت باید از هر تصمیم و حتی بیانی که جامعه را دو قطبی می کند پرهیز کند و مؤثرترین تصمیم را تصمیمی بداند که نه فقط انسجام شکن نیست، بلکه بر سرمایه اجتماعی و وحدت جامعه می افزاید.

رسانه هم همینطور. فعال سیاسی و فرهنگی هم همینطور.

بزرگترین ظلم به این پیام آن است که تصور کنیم مخاطبش دیگرانند.

دیگری سازی مخاطب، خیر؛ مخاطب پیام، همه ماییم.

از این پس هر نوع موضع گیری یا تصمیم یک سؤال پیش روی خود دارد:

این کار، جبهه حق را بزرگ تر می کند یا کوچک تر؟

شاید این، عملیاتی ترین ترجمه وحدت در شرایط امروز باشد.

